

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۱۸ ♦ تابستان ۱۳۹۴
صفحات: ۱۵۳-۱۸۱ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵



بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره شأن نزول سوره هل اتی

فرامرزی ابراهیمیان*

چکیده

یکی از ادله شیعه برای امامت و فضیلت علی علیه السلام شأن نزول سوره هل اتی است. علامه حلی در منهج الکرامه ذیل فصل سوم برای اثبات امامت حضرت علی علیه السلام چهل برهان از قرآن می‌آورد. در برهان بیست و یکم به شأن نزول سوره هل اتی در حق علی علیه السلام می‌رسد و حدیث ثعلبی از مفسران اهل سنت را به عنوان مؤید ذکر می‌کند. ولی ابن تیمیه شأن نزول سوره را مبنی بر اینکه مدنی است قبول ندارد و حدیث ثعلبی را با دلایل ضعیف و اقوال شاذ مخدوش می‌داند. در حالی که اکثر مفسران و محدثان اهل سنت، برخلاف ابن تیمیه، سوره هل اتی را در شأن علی علیه السلام می‌دانند. شیعه نیز بر این مطلب اجماع دارد. این سوره مدنی است و احادیث مربوط به شأن نزول فقط روایت ثعلبی نیست. این مقاله در پی اثبات این است که این سوره در شأن علی علیه السلام و از خصایص خاصه ایشان است و اشکالاتی که ابن تیمیه بر سند و دلالت حدیث ثعلبی وارد کرده جایگاهی ندارد.

کلیدواژه‌ها: سوره هل اتی، ثعلبی، ابن تیمیه، فضایل علی علیه السلام

مقدمه

ابن تیمیه یکی از کسانی است که گروهی از اهل سنت به افکار و عقاید وی پای‌بند بوده‌اند و از روش وی در نقد دیدگاه‌های دیگر فریق استفاده می‌کنند. وی مبانی فکری سلفیه را مدون کرده و بنیان نظری آن را شکل داده است. لذا به عنوان نظریه‌پرداز سلفیه شناخته می‌شود.^۱ آیین وهابیت در قرن ۱۲ هجری بر اساس افکار و آرای او پی‌ریزی شد، به گونه‌ای که شناخت عقاید وهابیان در گرو شناخت ابن تیمیه و آرا و عقاید او است.^۲ وی کتابی به نام *منهاج السنة النبویة*^۳ در رد کتاب *منهاج الکرامة* علامه حلی نوشته است.^۴ علامه حلی در کتاب خود برای اثبات امامت علی علیه السلام و فضایل وی به شأن نزول سوره هل اتی در فضیلت اهل بیت علیهم السلام ذیل فصل سوم اشاره می‌کند. نیز برای اثبات امامت علی علیه السلام به چهل برهان از براهینی از آیات قرآنی استناد می‌کند که از جمله آن برهان بیست‌ویکم است. وی می‌گوید سوره هل اتی در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.^۵ ابن تیمیه برای رد شأن نزول این سوره در حق اهل بیت علیهم السلام سیزده اشکال در کتاب *منهاج السنة النبویة* و دیگر کتبش ذکر می‌کند. به حدیث ثعلبی اشکال می‌کند و معتقد است این حدیث جعلی است و سوره هل اتی مکی است. او گفته است خادمه‌ای به نام فضه وجود ندارد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نذر نهی کرده است.^۶ در دیگر کتب نیز برای رد این شأن

۱. مهدی فرمانیان، مبانی فکری سلفیه، ص ۳ و ۴.

۲. نک: مهدی علی‌زاده موسوی، تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق: محمد رشاد سالم، ج ۱، ص ۷۵.

۴. حسن بن یوسف بن مطهر حلی، *منهاج الکرامة فی معرفة الامامة*، ص ۱۳۲. البته در معرفی این کتاب اشتباهی صورت گرفته و آن اینکه، کتاب را رديه‌ای بر کتاب ابن تیمیه معرفی کرده است. در مقدمه *منهاج السنة*، ج ۱، ص ۷ آمده که این کتاب را علامه حلی برای سلطان خدابنده نوشته است.

۵. همان.

۶. ابن تیمیه حرانی، *منهاج السنة النبویة*، ج ۷، ص ۱۷۴-۱۸۶؛ فصل، قال الرافضی البرهان الحادی والعشرون سورة هل اتی

...

نزول، می‌گوید سوره مکی است؛ وی به اتفاق علما و اجماع متمسک می‌شود.^۱ حتی در کتاب دقائق التفسیر در تفسیر سوره هل اتی هیچ اشاره‌ای به شأن نزول سوره نمی‌کند و در مصداق آیه «يُؤْفُونَ بِاللَّذْرِ وَمِخَافُونَ...» سکوت می‌کند. او همین روش را در کتاب رسالة فی المعانی المستنبطة تکرار کرده است.^۲

در این موضوع چند کتاب مستقل از شیعه و سنی نوشته شده که به برخی از اشکالات عمده پرداخته‌اند و یک مقاله درباره مکی یا مدنی بودن این سوره وجود دارد. تفاسیر مستقلی درباره تفسیر این سوره نوشته شده است. علامه طباطبایی نیز به تفسیر آن پرداخته است. در تمام اینها به بخشی از اشکالات عمده پاسخ داده شده، اما این تحقیق به دنبال آن است که به تفصیل تمام شبهات ابن تیمیه را پاسخ دهد. زیرا ابن تیمیه خواسته است این فضیلت بزرگ علی علیه السلام و شأن نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت علیهم السلام را انکار کند.

روش کار، کتابخانه‌ای و تحلیلی است، و از نگاه اهل سنت و مفسران آنها این موضوع را بررسی می‌کند و درصدد پاسخ به شبهات ابن تیمیه است. ابن تیمیه از نگاه خودش به این مسئله پرداخته و با دلایلی خواسته است شأن نزول این سوره را در حق اهل بیت علیهم السلام رد کند، در حالی که نظر علمای اهل سنت برخلاف نظر وی است.

مشخصات سوره هل اتی^۳

سوره هل اتی هفتادوششمین سوره قرآن است و بدون هیچ اختلافی سی و یک آیه دارد^۴ و با توجه به اوایل سوره با نام‌های الانسان، الدهر، هل اتی و الابرار نامیده می‌شود.^۱

۱. همان، ج ۴، ص ۲۰ و ج ۷، ص ۱۷۴ و ۱۷۹ و ج ۸، ص ۵۵۳؛ محمد مال الله، الامامة فی ضوء الكتاب والسنة، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۲۱؛ این کتاب در واقع تعلیقه‌ای بر منهاج السنة النبویة است؛ ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی (مجمع الملك فهد)، ج ۴، ص ۴۱۹؛ همو، فضل ابی بکر، ج ۱۳، ص ۱۲۴.

۲. همو، جامع الرسائل، رسالة فی المعانی المستنبطة، ج ۱، ص ۶۹؛ همو، دقائق التفسیر، ج ۳، ص ۲۱.

۳. چون در لسان روایات شیعه بیشتر به این نام خوانده شده است، نویسنده نیز این نام را به کار برده است.

۴. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

به ترتیب نزول، نودوهفتمین سوره است که بعد از سوره الرحمن و قبل از سوره طلاق نازل شده است.^۲

دیدگاه مسلمانان درباره شأن نزول سوره هل اتی

بر اساس روایات پرشماری که در منابع شیعه^۳ و سنی^۴ آمده، سوره هل اتی در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. علامه امینی در الغدیر^{۳۴} تن از علمای اهل سنت از جمله اسکافی، ترمذی، طبری، ابن عبدربه قرطبی، ابن مردویه، ثعلبی، واحدی، زمخشری و خوارزمی را نام برده که این شأن نزول را گزارش کرده‌اند.^۵ در منابع حدیثی و روایی شیعه هم نقل شده که حضرت علی علیه السلام نیز چندین بار به آیات این سوره بر فضیلت خود احتجاج کرده است.^۶ از همین رو سوره هل اتی بنا بر اجماع علما و مفسران شیعه، حداقل قسمتی از آیات آغازین سوره که مقام ابرار و اعمال صالح آنها را بیان می‌کند، در شأن امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است^۷ و از جمله آیاتی است که در فضایل اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.

علامه حلی برای اثبات امامت علی علیه السلام به سوره هل اتی اشاره می‌کند که در تفسیر ثعلبی (قرن پنجم) به طرق مختلف آمده است؛^۸ وی می‌گوید حسن و حسین بیمار شدند.

-
۱. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۲۶، ص ۱۳۵؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۲۸.
 ۲. همو، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ جلال الدین سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸-۱۹.
 ۳. همو، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۷۷، ۱۸۵.
 ۴. ابوالحسن مقاتل بن سلیمان ابن بشیر ازی بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۵۲۵؛ ابومحمد عبدالحق بن غالب ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ج ۱۶، ص ۱۸۲؛ محمد بن عمر فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر = مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۴.
 ۵. عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱.
 ۶. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۳۴.
 ۷. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۲۸.
 ۸. احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۹۸.

رسول خدا ﷺ و عموم عرب و [عجم] به عیادت آن دو رفتند. پس پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن، کاش برای فرزندان نذری می کردی! وی سه روز روزه نذر کرد. فاطمه، مادر آن دو (حسن و حسین) و فضا، کنیزشان نیز سه روز، روزه نذر کردند. پس آن دو از بیماری شفا یافتند ... سپس آنها سه روز روزه گرفتند و موقع افطار روز اول مسکین به در خانه آمد و همه اهل خانه، طعام را در راه خدا به وی بخشیدند؛ و در هنگام افطار روز دوم یتیمی به در خانه آمد و همه اهل خانه طعام را به وی بخشیدند و همچنین روز سوم اسیر آمد و اطعامش دادند و خود با آب افطار کردند ... فردای آن روز جبرئیل امین نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد، بگیر آنچه را که خداوند در خصوص اهل بیت، تو را به آن بشارت داده است. پیامبر فرمود: چه چیزی را بگیرم ای جبرئیل؟ پس این آیات را بر او خواند: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾؛ «آیا زمان طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!».

علامه حلی در ادامه می گوید: «پس سوره انسان دلالت بر فضایل فراوانی دارد که برای هیچ کس داشتن چنین فضایی حاصل نشده و هیچ کس بدان دست نیافته، جز علی بن ابی طالب، پس علی علیه السلام از دیگران برتر و امام است.»^۲

اشکالات ابن تیمیه

ابن تیمیه اشکالاتی را مطرح می کند که می توان این اشکالات را در دو بخش بیان کرد: اشکالات سندی حدیث ثعلبی؛ اشکالات دلالتی و متنی حدیث ثعلبی.

۱. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۷۳؛ کلمه «والعجم» را جا انداخته است و به جای «قال» گفته «قالوا»، ولی در پاورقی این کتاب، ارجاع به نسخه خطی داده است؛ نک: حلی، فی معرفة الامامة، منهاج الكرامة، انتشارات تاسوعاء به تحقیق عبدالرحیم مبارک نیز این گونه چاپ شده است. برای تحقیق بیشتر نک: حسن بن یوسف ابن مطهر حلی، منهاج الكرامة فی معرفة الامامة، نسخه خطی، بمبئی ۱۲۹۶ هـ. ق، ص ۶۱؛ سایت المصطفی، www.almostafa.com
۲. ابن مطهر حلی، منهاج الكرامة فی معرفة الامامة، ص ۱۳۲؛ ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۷۴.

الف. اشکالات سندی حدیث ثعلبی

ابن تیمیه در این بخش سه اشکال عمده را مطرح می‌کند. ما این اشکالات را تحت دو عنوان بررسی و نقد می‌کنیم.

۱. مناقشه در سند حدیث ثعلبی

الف. اولین اشکال ابن تیمیه در نقل و مناقشه سند حدیث ثعلبی این است که وی می‌گوید: «ابتدا روایت ثعلبی باید بررسی شود. در صحت نداشتن این روایت، اهل سنت و شیعه اتفاق دارند. چنانچه یک روایت را ثعلبی و واحدی و مانند این دو نقل کرده باشند، دال بر صحت نمی‌شود».

ب. دومین اشکال ابن تیمیه این است که: «روایت از نظر محدثانی که قولشان در این خصوص قابل استناد و معتبر است، جعلی و ساختگی است، به طوری که در هیچ یک از کتب مرجع خود، از جمله صحاح و سنن، نقل نکرده‌اند»^۱.

بررسی و نقد کلام ابن تیمیه

ابن تیمیه به روایاتی که موافق تفکر او نیست، با استناد به فقدان آن در یکی از صحاح و سنن یا کتبی که خود قبول دارد، برخلاف بسیاری از اهل سنت، نسبت جعل می‌دهد. در پاسخ باید گفت:

۱. روایات شأن نزول این آیات منحصر به روایت ثعلبی نیست که ابن تیمیه فقط به مناقشه در خصوص آن می‌پردازد.^۲ حدیث نزول سوره هل اتی در بسیاری از کتاب‌های موثق نزد اهل سنت، از میان صحابه یا تابعانی همچون علی رضی الله عنه، عبدالله بن عباس، زید

۱. ابن تیمیه حرانی، منهج السنة النبویة، ج ۷ ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱.

بن ارقم، سعید بن جبیر، قنبر خدمتکار علی علیه السلام، حسن بصری، مجاهد، عطاء، ابوصالح، قتاده و ضحاک، نقل شده است. این روایت از ابن عباس مشهور است.^۱

علامه امینی در الغدیر^۲ برای رد کسانی که این شأن نزول را جعلی دانسته‌اند، می‌گوید بسیاری از پیشوایان تفسیر و حدیث، حدیث ذیل آیه را روایت کرده و در کتب حدیثی خود ثبت کرده‌اند. ابومحمد عاصمی، یکی از علمای اهل سنت، کتابی دوجلدی به نام زین الفتی در تفسیر سوره هل اتی نوشته است.^۳ علامه امینی در ادامه، ۳۴ نفر از ناقلان این حدیث را نام می‌برد،^۴ از جمله:

ابوجعفر اسکافی (متوفای ۲۴۰ ه.ق.)، ابو عبدالله محمد بن علی ترمذی (متوفای ۲۸۵ ه.ق.)، محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.)، شهاب‌الدین ابن عبد ربّه قرطبی مالکی (متوفای ۳۲۸ ه.ق.)، ابن مردویه ابوبکر اصفهانی (متوفای ۴۱۶ ه.ق.)، ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ ه.ق.)، ابو اسحاق ثعلبی (متوفای ۴۳۷ ه.ق.)، ابوالحسن واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸ ه.ق.)، عبیدالله بن عبدالله بن احمد، معروف به حاکم حسکانی (متوفای ۴۷۰ ه.ق.)، حسین بن مسعود بغوی (متوفای ۵۱۶ ه.ق.)، جارالله محمود بن عمر زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه.ق.)، ابوالمظفر، سبط ابن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ ه.ق.)، قاضی ناصرالدین بیضاوی (متوفای ۶۸۵ ه.ق.)، محب‌الدین طبری (متوفای ۶۹۴ ه.ق.)، حافظ‌الدین نسفی (متوفای ۷۰۱ یا ۷۱۰ ه.ق.)، ابواسحاق حموی (متوفای ۷۲۲ ه.ق.)، علاء‌الدین علی بن محمد خازن بغدادی

۱. حسین بن مسعود فراء بغوی، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل = تفسیر بغوی، ج ۵، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ محمد بن عمر فخرالدین رازی، تفسیر الکبیر = مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۹، ص ۱۵۷.
۲. عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱.
۳. این کتاب با تصحیح محمدباقر محمودی و با عنوان العصل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سوره هل اتی در دو جلد منتشر شده است.
۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۵؛ تقریباً ۴۶ نفر بررسی شده است ولی مجالی برای ذکر نیست؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱.

(متوفای ۷۴۱ ه.ق.)، ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.)، شهاب‌الدین آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ ه.ق.) و ...^۱

۲. علامه حلی این روایت را از منابع اهل سنت ذکر کرده است.

۳. ابن تیمیه روایت صحیحی را که در این مسئله، در دیگر منابع صحیح اهل سنت وجود دارد، نیاورده است. برای الزام خصم باید از منابع طرف مقابل استفاده می‌کرد و صرف رد کردن وی، دلیل بر نفی مطلبی نیست. با توجه به اینکه صاحبان کتب صحیحین، بسیاری از روایات صحیح را ذکر نکرده‌اند، آیا اهل سنت به روایات صحیحی غیر از روایات صحیحین استناد نمی‌کنند؟ بر فرض که کسی چون ترمذی در سننش این روایت را نیاورده باشد و ابن جوزی این روایت را جعلی بداند، دلیل نمی‌شود که حرف بسیاری از علما را کنار بگذاریم.

اذعان علمای اهل سنت بر صحت یا شهرت حدیث

الف. حاکم حسکانی می‌گوید: «طرق این حدیث صحیح بوده و علمای اهل سنت، صحت آن را تأیید کرده‌اند. این حدیث را عبدالله بن مبارک، از یعقوب بن قعقاع، از مجاهد، از ابن عباس روایت کرده است».^۲ حاکم حسکانی در مقدمه کتاب شواهد التنزیل، دلیل نوشتن کتابش را انکار شأن نزول هل اتی در شأن علی علیه السلام از سوی یکی از وعاظ کرامیه می‌داند.^۳

۱. نک: احمد بن محمد عاصمی، العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱. نورالله مرعشی شوشتری، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۷۱؛ حدیث فوق را از ۳۶ نفر از دانشمندان و علمای اهل سنت با ذکر مأخذ نقل می‌کند؛ سید علی حسینی میلانی، نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت مصطفی، ص ۲۶-۳۲.

۲. عبیدالله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳. همان، مقدمه.

ب. سید محمود آلوسی، از دانشمندان علوم قرآن و حدیث اهل سنت، این خبر را «مشهور» دانسته است.^۱

ج. ابوالمظفر، سبط ابن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ ه.ق.) در تذکرة الخواص از طریق بغوی و ثعلبی آن را نقل کرده، و بر جدش ابن جوزی، که آن را در ردیف حدیث‌های مجعول شمرده، ایراد گرفته و پس از آنکه سندش را از ضعف پیراسته، می‌گوید: «من از سخن جدم و از انکاری که او از این حدیث کرده در شگفتم!»^۲

د. حافظ گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه.ق.) در کتاب کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام این حدیث را با واسطه از ابوعبدالله محمد بن فتوح بن عبدالله حمیدی^۳ از کتاب فوائد، به تفصیل روایت می‌کند و در ادامه می‌گوید: «ابن جریر طبری این حدیث را در شأن نزول سوره هل اتی به صورت طولانی روایت کرده است، اما من هنگام نوشتن این کتاب نسخه او را در اختیار نداشتم».^۴ این در حالی است که ابن تیمیه درباره تفسیر محمد بن جریر طبری می‌گوید: «از اصح تفاسیر و اجل و اعظم آنها است، و از بدعت به دور است و از متهمان نقل نمی‌کند».^۵

ه. برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت اصل این ماجرا را صحیح دانسته و بر صحت آن تأکید کرده‌اند؛ سبط ابن جوزی^۶ و اسماعیل حقی بروسوی^۷ از آن جمله‌اند.

۱. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۹، ص ۱۵۷.

۲. ابن جوزی حنفی بغدادی، تذکرة الخواص، ص ۳۹۷.

۳. محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۱۲۰-۱۲۷.

۴. محمد بن یوسف بن محمد قرشی گنجی شافعی، کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ج ۷، ص ۳۴۵-۳۴۸.

۵. احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیه حرانی، مقدمة فی اصول التفسیر، ص ۵۱ و ۵۳؛ همو، مجموع الفتاوی، ج ۱۳، ص ۳۶۱؛

همو، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۸۵.

۶. سبط ابن جوزی، ابوالمظفر، تذکرة الخواص، ص ۳۹۷؛ معروف به تذکرة خواص الامة لسبط ابن الجوزی.

۷. اسماعیل حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۹.

ابن شهر آشوب نیز از اشخاص و منابعی یاد می‌کند که به نزول سوره هل اتی در شأن علی و اهل بیت ایشان تصریح کرده‌اند.^۱ در داستان احتجاج مأمون، خلیفه عباسی، بر چهل نفر از دانشمندان نیز نزول این سوره در شأن علی علیه السلام ذکر شده است.^۲ به این ترتیب، روایت فوق از روایاتی است که در میان اهل سنت مشهور^۳ بلکه متواتر است.^۴ ابن تیمیه، روایت به این مشهوری را جعلی و ضعیف می‌داند!

۲. انکار واقعیت یا ردّ مدنی بودن سوره!

اشکال سوم ابن تیمیه، که به عنوان دلیل دیگری بر کذب و دروغ بودن این حدیث آن را مطرح می‌کند این است که علی علیه السلام در مدینه با فاطمه ازدواج کرده، آن هم بعد از جنگ بدر، و حسن و حسین در مدینه به دنیا آمدند و سوره هل اتی به اتفاق اهل تفسیر و حدیث در مکه نازل شده و هیچ یک از علماء، از جمله ابونعیم، خثیمه و ترمذی، که احادیث ضعیف فضایل علی را نقل کرده‌اند، نگفته‌اند این سوره مدنی است.^۵

سوره هل اتی؛ مکی یا مدنی؟

این مسئله اختلافی است. علمای شیعه، بدون اختلاف و به اتفاق، این سوره را مدنی دانسته‌اند،^۶ و بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت نیز آن را مدنی دانسته‌اند؛^۷ و برخی

۱. نک: پروین بهارزاده، «کاوشی در مکی یا مدنی بودن سوره دهر»، در: مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۴۱، بهار ۱۳۸۱.

۲. ابن عبد ربّه قرطبی مالکی، العقد الفرید، ج ۳، ص ۴۲-۴۷.

۳. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۹، ص ۱۵۷.

۴. ناصر مکارم شیرازی، شأن نزول آیات قرآن، ص ۴۷۸؛ همو، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۵. برای تفصیل بیشتر نک: نورالله مرعشی شوشتری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۷۱.

۵. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۷۸.

۶. جعفر سبحانی، ابن تیمیه فکراً و منهجاً، ص ۳۳۳؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۷. محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۹، ص ۱۲۹؛ احمد بیهقی، دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۴۳؛ فخرالدین رازی، تفسیر

الکبیر، ج ۳۰، ص ۲۳۵؛ محمد شوکانی، فتح القدر، ج ۵، ص ۴۵۶. (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور،

ج ۸، ص ۳۳۷؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۰۹؛ احمد مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۹،

ص ۱۵۹؛ محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۶۶؛ علی بن محمد علاءالدین خازن بغدادی،

دیگر مدنی بودن سوره را صحیح‌تر می‌دانند.^۱ مجاهد از ابن عباس روایت کرده که این سوره مدنی است و قتاده، عکرمه، حسن بصری، کلبی، و جابر بن زید نیز این را قبول دارند.^۲ علامه طباطبایی از سیاق آیات آن، به‌ویژه از آیات «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» و «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ» استفاده کرده است که این آیات از داستانی واقعی خبر می‌دهد و از بودن «اسیر» در میان کسانی که به دست آن ابرار اطعام شده‌اند نتیجه می‌گیرد که این آیات مدنی است. زیرا مسلمانان در مکه اسیری در اختیار نداشتند؛^۳ و معانی دیگری که برای اسیر در تفاسیر اهل سنت آمده، پذیرفتنی نیست.^۴

حاکم حسکانی می‌گوید: «چگونه برخی ادعای اجماع بر مکی بودن می‌کنند در حالی که قول اکثر علما بر مدنی بودن این سوره است».^۵ امام قاضی شوکانی می‌گوید مدنی بودن سوره دهر، سخن جمهور (اکثریت) مفسران است؛^۶ و قرطبی نیز در تفسیر خود، این اعتقاد را به جمهور مفسران نسبت داده است.^۷ همچنین، آلوسی با نقل دیدگاه ابن عادل می‌نویسد او نیز مدنی بودن این سوره را باور اکثریت مفسران دانسته است. وی می‌گوید: «شیعه نیز بر این اعتقاد است».^۸

-
- تفسیر الخازن، ج ۴، ص ۳۷۶؛ محمد کلبی غرناطی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۶؛ عبدالکریم خطیب، التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۸، ص ۱۳۴۹؛ ابوبکر جزائری، ایسر التفاسیر، ج ۵، ص ۴۸۱؛ وهبة بن مصطفى زحیلی، التفسیر الوسیط، ج ۳، ص ۲۷۸۸؛ محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۶۹۰۹؛ الهمیة العامة، التفسیر الوسیط لقرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۱۶۹۹؛ حسین بن مسعود فراء بغوی، معالم التنزیل، ج ۵، ص ۳۰۷.
۱. وهبة بن مصطفى زحیلی، التفسیر الوسیط، ج ۳، ص ۲۷۸۸.
 ۲. حسین بن مسعود فراء بغوی، تفسیر بغوی (معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل)، ج ۵، ص ۱۸۸؛ ابن‌عاشور، التحریر والتنویب، ج ۲۹، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ یکی از علمای قرن ۸ هجری، الانصاف فی الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف، تحقیق: طاهر عبدالامیر سلامی، ج ۳، ص ۲۶۴.
 ۳. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۳۵؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۸.
 ۴. جعفر سبحانی تبریزی، ابن تیمیة فکراً ومنهجاً، ص ۳۳۳ و ۳۳۴.
 ۵. عبید الله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۰۹.
 ۶. محمد شوکانی، فتح القدر، ج ۵، ص ۳۴۳.
 ۷. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن معروف به تفسیر القرطبی، ج ۱۹، ص ۱۱۸.
 ۸. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۹، ص ۱۵۰.

در قرآنی که مجمع الملک فهد، در مدینه منوره، تحت نظر علمای برجسته و وهابیان و پیروان ابن تیمیه منتشر می‌کند سوره هل اتی مدنی معرفی شده است.^۱ ابن تیمیه در منهج السنة، بر تفسیر بغوی تکیه کرده و تصریح می‌کند که بغوی، هیچ کدام از احادیث جعلی را که ثعلبی نقل کرده، ذکر نکرده است، در حالی که بغوی یکی از مفسرانی است که قائل به مدنی بودن سوره هل اتی است.^۲

احمد کنانی، در کتاب نظرة فی کتاب منهج السنة النبویة^۳ از قول علامه امینی، می‌نویسد:

۱. اینکه سوره مکی باشد منافاتی ندارد که بعضی از آیاتش مدنی باشد، چنان که در دیگر سور چنین است و سوره‌هایی را از قول مفسران اهل سنت ذکر می‌کند که برخی آیاتش مدنی است. همچنین، بعضی سوره‌ها دو بار نازل شده است؛ یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه؛ مثل سوره فاتحه.
۲. بهترین راه برای اینکه بدانیم کدام سوره یا آیه مدنی یا مکی است این است که تضافر نقل را در شأن نزول یا سندهای مستفیض بشناسیم نه با اقوالی که سند ندارند؛ و علامه امینی نام ۳۴ نفر را برای اثبات سندیت حدیث از علمای اهل سنت آورده است، که به جهت اختصار در ذیل بحث سندی حدیث ثعلبی اشاره شده است.
۳. علما در خصوص قول به مکی بودن سوره هل اتی اتفاق نظر ندارند، بلکه جمهور علما برخلاف آن معتقدند سوره مدنی است، چنان که خازن در تفسیرش از مجاهد و جمهور علما نقل می‌کند.^۴ ابوجعفر نحاس در کتاب الناسخ والمنسوخ و سیوطی در

۱. نک.: فهرست اسماء سور در آخر قرآن چاپ عربستان.

۲. ابن تیمیه حرانی، منهج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ سید علی حسینی میلانی، نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت مصطفی، ص ۶۷؛ حسین بن مسعود فراء بغوی، تفسیر بغوی (معالم التنزیل فی تفسیر القرآن)، ج ۵، ص ۱۸۸.

۳. عبد الحسین امینی، نظرة فی کتاب منهج السنة النبویة، تحقیق: احمد کنانی، ص ۷۹-۸۶؛ عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۳، ص ۱۶۹.

۴. علاء الدین علی بن محمد خازن بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل = تفسیر الخازن، ج ۴، ص ۳۵۶، ج ۱، ص ۹.

الاتقان و بیهقی در دلائل النبوة و ابن ضریس در فضائل القرآن قائل به مدنی بودن سوره هل اتی هستند.^۱

۴. کسانی چون حسن و عکرمه و کلبی و غیر اینها که قائل اند آیاتی از این سوره مکی است، تصریح دارند که قصه آیات اطعام مدنی است.

۵. ملازمه‌ای بین اینکه سوره مکی باشد ولی نزول آن بعد از هجرت باشد، وجود ندارد. زیرا ممکن است در حجة الوداع نازل شده باشد؛ همان طور که ابن جُبیر، حسن، ضحاک، عکرمه، عطا، و قتاده نقل کرده‌اند. این قول را ابن جریر و جمع دیگری اختیار کرده‌اند.^۲

ب. اشکالات دلالی و متنی حدیث ثعلبی

بحث ما تا اینجا از جنبه سندی بود، ولی در ادامه به جنبه دلالت و متن حدیث ثعلبی می‌پردازیم و اشکالات ابن تیمیه را بررسی و نقد می‌کنیم.

۱. مناقشه در دلالت حدیث ثعلبی

اشکال چهارم ابن تیمیه در دلالت حدیث ثعلبی این است که وی می‌گوید: «ساختار این روایت و الفاظ آن از ساخته‌های دروغ‌گویان نادان است. از جمله اینکه جد آن دو و عموم عرب، آن دو را عیادت کردند، در حالی که عموم عرب در مدینه نبودند و عرب‌های کافر هم به منظور عیادت به نزد آن دو نمی‌آمدند. همچنین این گفته که: «ای ابالحسن، چرا برای دو فرزندت نذر نمی‌کنی!» سخنی جاهلانه است؛ زیرا علی دین را از عرب‌ها نمی‌گرفت، بلکه از پیامبر می‌گرفت!».

۱. ابوجعفر احمد بن محمد نحاس، الناسخ والمنسوخ، ص ۲۶۰؛ جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۱؛

احمد بن حسین ابوبکر بیهقی، دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۴۳؛ محمد بن ایوب ابن ضریس رازی، فضائل القرآن، ص ۳۴.

۲. احمد کنانی، نظرة فی کتاب منهاج السنة النبویة، ص ۸۶.

بررسی و نقد اشکال ابن تیمیه

بسیاری از مفسران و محدثان فریقین این ماجرا را با طرق معتبر و صحیح در کتاب‌های تفسیری و حدیثی نقل کرده‌اند.^۱ با توجه به روایات شیعه^۲ و روایات اهل سنت از منابع دیگر که در آن روایات، نشانی از عامه‌العرب نیست، زمخشری، در کتاب تفسیر خود، الکشاف، می‌نویسد: «ابن عباس می‌گفت: به درستی که حسن و حسین مریض شدند. پیامبر اسلام ﷺ با عده‌ای از مردم از آنها عیادت کرد، و سپس فرمود: یا اباالحسن! اگر برای فرزندان خود نذر کنی، بهبود می‌یابند».^۳ همان‌طور که در این حدیث آمده نامی از عامه‌العرب نیست؛ و به قرینه مقام، مقصود از عامه‌العرب، مسلمانان بوده است و اینها در مدینه بودند نه در جای دیگر.^۴ با توجه به نسخه خطی چاپ بمبئی، به جای کلمه «قالوا»، «قال» دارد و طبق این روایت پیامبر ﷺ علی را امر به نذر کرد.^۵

۲. منهی بودن نذر از نگاه ابن تیمیه

اشکال پنجمی که ابن تیمیه در ردّ شأن نزول سوره هل اتی دارد، این است که، پیامبر ﷺ از نذرکردن منع فرموده، چنان‌که در صحیحین آمده است؛^۶ و به طریق دیگر روایت شده که فرمود: «نذر انسان را به تقدیر خداوند برمی‌گرداند و برای نذر چیزی داده

۱. برای تفصیل این مطلب نک.: عبیدالله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ابوالمظفر بن فُزْغَلی بن عبدالله سبط ابن جوزی حنفی بغدادی، تذکرة الخواص، ص ۳۹۷؛ اسماعیل حقی برسوی، تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۹؛ ابن عبد ربّه قرطبی مالکی، العقد الفرید، ج ۳، ص ۴۲-۴۷.
۲. هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۴۹.
۳. محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۷۰.
۴. یکی از علمای قرن ۸، الانصاف فی الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف، ج ۳، ص ۲۶۶.

۵. نک.: حسن بن یوسف ابن مطهر حلّی، منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، نسخه خطی بمبئی ۱۲۹۶ ه.ق.، ص ۶۱؛ سایت

المصطفی، www.almostafa.com

۶. محمد مال الله، الامامة فی الضوء الكتاب والسنة، ج ۱، ص ۱۲۱ می‌گوید این حدیث، با وجود اختلاف در الفاظ آن، از ابن عمر در صحیح بخاری (ج ۸، ص ۱۲۴-۱۲۵)، کتاب القدر، باب القاء العبد النذر و در صحیح (ج ۳، ص ۱۲۶۰-۱۲۶۱)، کتاب القدر، باب النهی عن القدر که در آن سه روایت به شماره‌های ۲، ۳، ۴ آمده است. این حدیث همچنین در سنن ابوداود، نسایی، ابن ماجه، دارمی، بیهقی و مسند امام احمد روایت شده است که البانی در ارواء الغلیل (ج ۸، ص ۲۰۸-۲۰۹) به شماره ۲۵۵ آورده است.

می‌شود که برای غیر آن داده نمی‌شود».^۱ «و خداوند به خاطر وفای نذر مدح کرده است نه بر خود عقد نذر».^۲ زیرا نذر مثلظهار و طلاق است که مذموم است ولی پرداخت کفاره واجب است و مدح شده؛ و همچنین کسی که چیزی را می‌فروشد یا کالایی را می‌خرد وقتی آنچه را بر عهده او است به طرف مقابل ببخشد، ستوده می‌شود.

نقد دیدگاه ابن تیمیه

نذر یکی از احکام شرعی است که جواز آن بین شیعه و سنی مشترک و اجماعی است.^۳ به دلیل همین ممدوح بودن نذر، خود آن حضرت ﷺ به علی ؑ دستور می‌دهد که ای ابالحسن برای شفای فرزندان نذری کن. کار علی و فاطمه ؑ با آگاهی انجام می‌گیرد و اطاعت خدا و رسول خدا ﷺ است. چون با دستور پیامبر ﷺ صورت گرفته است؛ آنچنان که در تفسیر زمخشری آمده است؛^۴ و در تفسیر طبری که ابن تیمیه آن را قبول دارد، طبری می‌گوید: «نذر در این سوره، از نوع طاعت خدا است».^۵

بر فرض نهی پیامبر ﷺ از نذر، بزرگان علمای اهل سنت این روایت نهی را بر کراهت حمل کرده‌اند.^۶ ابن تیمیه در تعریف سنت، تقریر پیامبر ﷺ را حجت می‌داند.^۷

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، الامامة فی ضوء الكتاب والسنة، تحقیق: محمد مال الله، ج ۱، ص ۱۲۱؛ محمد مال الله در پاورقی می‌گوید این حدیث را جایی نیافتم؛ و در منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۱، آدرس روایت ذکر نشده است.
۲. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.
۳. موفق الدین احمد بن محمد ابن قدامة مقدسی، المغنی، کتاب النذور، ج ۱۳، ص ۳۷۲؛ عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، مباحث النذر، ج ۲، ص ۱۳۹؛ نک: صادق عبدالرحمن غریانی (فقیه لیبی)، مدونة الفقه المالکی وأدلته؛ محمد راتب نابلسی، الفقه الإسلامی، موضوعات متفرقه، درس ۳۸: النذر، ۱۹۹۲/۶/۲۱، www.nabulsi.com.
۴. محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۷۰.
۵. محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۹، ص ۱۲۹.
۶. محمد بن عبد الله بن ابوبکر ابن عربی، احکام القرآن، ج ۴، ص ۳۵۳؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۱۲، باب ۱۰، ش ۱۵۳۸؛ سلیمان بن اشعث ابو داود سجستانی، سنن ابی داود، ص ۲۵۱، باب کراهیة النذر، ش ۳۲۸۷؛ احمد بن علی بن موسی ابوبکر بیهقی، سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۷۷.
۷. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۱۸، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ نک: عبدالقادر بن حبیب الله سندی، حجیة السنة النبویة و مکاتبتها فی التشریح الإسلامی، الجامعة الإسلامیة المدینة المنورة، ش ۸، رمضان ۱۳۹۵.

اگر علی علیه السلام بنا به دستور پیامبر عمل کرده باشد در این صورت این روایت نهی از نذر را باید توجیه کرد. اگر بنا بر روایات ثعلبی، علی علیه السلام به امر غیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نذر کرده باشد در این صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شاهد این نذر بوده و این عمل را تقریر کرده است. چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ساکت بودند و نهی نکردند و این تقریر، خود دلیل بر مشروع بودن این عمل بوده است.

اما قول ابن تیمیه درباره این مسئله، که خداوند وفا به نذر را مدح کرده نه خود عقد نذر را، کلامی بی اساس است. زیرا اگر این کار فعلی حرام است مرتکب آن مجرم و گناهکار است و آن عمل مذموم است نه ستودنی. اگر از نذر کردن منع شده باشد، بر وفای آن چه مدحی است؟! به علاوه این نذر طبق فرمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته، چنان که در روایت زمخشری در تفسیرش گذشت، و کسی که طبق فرمان ایشان کاری را انجام دهد، به آن اطاعت گفته می شود^۱ و یقیناً اطاعت از فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرضی خدا و ستودنی است. این سوره در مدح اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. به سبب این نذر، خداوند وفای به آن را مدح و ستایش فرمود^۲ و سوره هل اتی را در شأن ایشان نازل کرد؛ و طبق این آیه *﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾*^۳ آنچه اهل بیت علیهم السلام انجام داده اند، مرضی خدا است. وقتی ثابت شد این سوره شأن نزولش در حق علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است دیگر این ایرادها جایگاهی ندارد.

و اما قیاس نذر با ظهار و طلاق و بیع و شراء حرفی بی سند است و هر کدام مسئله مستقلی است و احکام خاص خودش را دارد. در صورت صحیح بودن این قیاس از نظر ابن تیمیه، بیع و طلاق نیز غیر مشروع و حرام خواهد بود! در حالی که هیچ کس به آن قائل نیست!

۱. محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۹، ص ۱۲۹.

۲. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، جامع الرسائل، رساله فی المعانی المستنبطه، تحقیق: محمد رشاد رفیق سالم، ص ۷۰؛ در این کتاب از شأن نزول سوره هل اتی سخنی به میان نمی آورد.

۳. سوره هل اتی (۷۶): آیه ۳۰.

۳. تشکیک در وجود خادمه‌ای به نام فضه

اشکال ششمی که ابن تیمیه در روایت ثعلبی دارد، این است که علی و فاطمه علیها السلام کنیزی به نام فضه نداشتند و حتی هیچ کدام از نزدیکان پیامبر کنیزی با این نام نداشتند و در مدینه کنیزی که نام او فضه باشد شناخته شده نیست و هیچ کس از اهل علم و کسانی که احوال کنیزان را به دقت بررسی کرده‌اند یادی از کنیزی به نام فضه نکرده‌اند.^۱

بررسی و نقد اشکال ابن تیمیه

برخلاف دیدگاه ابن تیمیه، تعدادی از حافظان بزرگ اهل سنت، با استناد به حدیث نزول سوره هل اتی، وجود کنیزی به نام فضّه را ثابت کرده‌اند.^۲

عالم بزرگ اهل سنت، حافظ ابن اثیر (شیبانی) در کتاب خود، ذیل ترجمه فضه، چنین آورده است: «فضّه نوبیه، کنیز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. ابوموسی بر اساس نوشته‌ای آن را برای ما روایت کرده است».

سپس در ادامه این سخن، حدیث نزول سوره هل اتی را از ابن عباس ذکر کرده است.^۳ همچنین قرطبی می‌گوید اهل تفسیر معتقدند آیه اطعام درباره علی و فاطمه و جاریه آن دو، که اسمش فضه است، نازل شده است. وی در ادامه می‌گوید نقاش، ثعلبی، قشیری و بسیاری از مفسران این حدیث را ذکر کرده‌اند؛^۴ و نیز ابن عادل حنبلی^۵ و بسیاری دیگر از مفسران اهل سنت، فضه را خادمه حضرت زهرا علیها السلام می‌دانند.

حافظ ابن حجر عسقلانی درباره فضّه چنین می‌نویسد: «فضّه نوبیه، کنیز فاطمه زهرا علیها السلام بود، ابوموسی در الذیل و ثعلبی در تفسیر سوره «هل اتی» از طریق عبدالله بن عبدالوہاب خوارزمی، پسرعموی احنف، آورده‌اند که فضه خادمه حضرت زهرا علیها السلام بود».

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲. سید علی حسینی میلانی، نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت مصطفی، ص ۴۹.

۳. علی بن ابی‌الکرم محمد ابن اثیر جزری شیبانی، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۲۳۰، ذیل عنوان فضه.

۴. محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

۵. عمر بن علی ابن عادل دمشقی، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۲۰، ص ۲۴.

وی در ادامه می‌گوید: «ابن صخر در فوائد خویش و ابن بشکوال در کتاب المستغیثین از طریق خود، با سندی از طریق حسین بن علاء، از امام صادق علیه السلام از پدرش، از علی علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای دخترش فاطمه علیها السلام کنیزی را به نام فضّه نوبیه استخدام کرد، فاطمه علیها السلام کارها را با او تقسیم می‌کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعایی را به فضّه یاد داده بود که پیوسته آن را می‌خواند».^۱

۴. این شأن نزول از مناقب نیست!

ابن تیمیه در اشکال هفتم خود در روایت ثعلبی معتقد است «در حدیث صحیح دیگری، برخی از انصار، مهمانی را بر خودشان مقدم داشتند و ایثار کردند، و خداوند در مدحشان آیه نازل کرد: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾.^۲ این مدح بزرگ‌تر از مدح آیه ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۳ است. وی در ادامه از صحیح مسلم و بخاری از پیامبر روایتی مبنی بر برتر بودن صدقه می‌آورد؛^۴ «و خلاصه اینکه اگر ایثار اهل بیت علیهم السلام بزرگ‌تر از ایثار انصار می‌بود مدح اهل بیت علیهم السلام بیشتر می‌شد و چنین نشد؛ و اگر بر این ماجرا مدحی نباشد، در مناقب داخل نیست».^۵

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابة، ج ۴، ص ۳۷۸.

۲. سوره حشر (۵۹): آیه ۹.

۳. سوره هل اتی (۷۶): آیه ۸.

۴. محمد مال الله در پاورقی کتاب الامامة فی ضوء الكتاب والسنة، ج ۱، ص ۱۲۳ می‌گوید این حدیث با وجود اختلاف در الفاظ آن از ابوهریره در صحیح مسلم (ج ۲، ص ۷۱۶)، کتاب الزکاة، سنن نسایی (ج ۵، ص ۵۱)، کتاب الزکاة، باب أى صدقة افضل، و (ج ۶، ص ۱۹۸)، کتاب الوصایا، الکراهیة فی تأخیر الوصیة، سنن ابن ماجه (ج ۲، ص ۹۰۳)، کتاب الوصایا، باب النهی عن امساک فی الحیة والتبذیر عند الموت، و در مسند امام احمد شماره‌های ۷۱۵۹، ۷۴۰۱، ۹۳۶۷، ۹۷۶۷ روایت شده است.

۵. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، منهج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

بررسی و نقد اشکال ابن تیمیه

برخلاف ادعای او، برخی مفسران نزول آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» را در شأن علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام ذکر کرده‌اند.^۱ اما با فرض قبول این نظریه، ۱. انفاق یک شب با ایثار سه شب متوالی برابر نیست. این ایثار سه‌روزه را قرآن بسیار ستوده است و با مدح انفاق یک شب قابل مقایسه نیست؛^۲ نزول یک آیه در شأن کسی مساوی با نزول یک سوره کامل در شأن اهل بیت نیست. خداوند در این سوره پنج ویژگی را مخصوص اهل بیت علیهم السلام دانسته است: وفای به عهد: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ»، ترس از معاد: «وَيَحْذَرُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»، رسیدگی به نیازمندان: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»، اخلاص در عمل: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتُرِيدُوا مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» و خوف از خداوند متعال: «إِنَّا خَافُ مِنْ رَبِّنَا»؛^۳ ابن تیمیه تفاوتی بین «انفاق و «ایثار» قائل نیست. در حالی که ایثار مقامی است به مراتب بالاتر از انفاق، که همگان سعادت آن را ندارند، و از صفات ویژه مؤمنان واقعی است.^۴

۵. این ماجرا خلاف امر مشروع است!

وی در اشکال هشتم می‌گوید نباید این ماجرا را به علی و فاطمه علیهم السلام نسبت داد؛ و گرسنه نگاه داشتن بچه‌ها تا سه روز خلاف امر مشروع است. این گرسنگی، عقل، بدن و دین آدم را فاسد می‌کند و مانند ماجرای انصار نیست که یک شب بوده است.^۴

بررسی و نقد اشکال ابن تیمیه

با توجه به اینکه ثابت کردیم این سوره در شأن اهل بیت علیهم السلام است و سوره مدنی است، اگر این ماجرا خلاف شرع می‌بود، خداوند آن را ذم می‌کرد؛ ولی خداوند به دلیل

۱. عبید الله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۵۱-۲۵۵.

۳. همو، آیات ولایت در قرآن، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ و برای مطالعه بیشتر نک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۸، ذیل آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ».

۴. احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیه حرانی، منهج السنه، ج ۷، ص ۱۸۵.

همین ماجرای باعظمت، یک سوره کامل فرستاد و جبرئیل به دلیل داشتن چنین اهل بیتی به پیامبر ﷺ تبریک و تهنیت گفت.

در برخی روایات، سخنی از روزه گرفتن حسنین - دو کودک خردسال ۵ و ۶ ساله که تازه از بستر بیماری برخاسته بوده‌اند و دوره نقاهت را سپری می‌کرده‌اند یا هنوز بیمار بوده‌اند - به میان نیامده است.^۱

اما پاسخ دیگر اینکه حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بچه‌ها را مجبور به این کار نکرده بودند، بلکه امام حسن و امام حسین علیهما السلام با کمال اختیار و آگاهی این ایثار عظیم را خودشان پذیرفته‌اند و انجام داده‌اند و این امر نشان‌دهنده اخلاص و ایثار و عظمت فوق‌العاده آنان است. به دلیل همین رفتار بود که خداوند یک سوره را با عظمت تمام در شأن ایشان نازل فرمود.^۲

۶. ماجرای یتیم و اسیر دروغ است!

وی در اشکال نهم و دهم و یازدهم می‌گوید ماجرای یتیم دروغ است! زیرا در شب عقبه هیچ جنگی اتفاق نیفتاده است؛^۳ و پیامبر ﷺ هزینه و مخارج فرزندان کسانی را که در رکاب وی به شهادت رسیدند بر عهده می‌گرفت.^۴ هرگز در مدینه اسیری وجود نداشته که از مردم درخواست کمک کند.^۵

بررسی و نقد اشکالات ابن تیمیه

ذکر یتیم در این ماجرا از مسلمات و نص قرآن است، اما اینکه پدر یتیم چه کسی بوده و در کجا از دنیا رفته مهم نیست و به اصل حدیث لطمه وارد نمی‌کند، چون اصل ماجرا صحیح و مشهور است. در روایات دیگر، غیر از روایت ثعلبی اسمی از یوم‌العقبه نیست؛ و

۱. علی بن محمد شیبانی ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۲۳۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۲۳۳.

۳. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة، ج ۷، ص ۱۸۵.

۴. همان (به اختصار).

۵. همان، ص ۱۸۶ (به اختصار).

در برخی روایات آمده است که این سه تن جبرئیل بود که برای امتحان اهل بیت علیهم السلام به در خانه اینها رفت.^۱

این حرف که پیامبر صلی الله علیه و آله خود هزینه یتیمان را به عهده داشت، بی دلیل و بی سند است، بلکه یکی از دلایل دستور خداوند به تعدد زوجات برای مسلمانان همین بوده است که سرپرستی یتیمان جنگ را به عهده بگیرند: ﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ... وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا أَمْوَالَهُمْ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنًا...﴾. (نساء: ۲ و ۳).^۲ و اینکه دستور به قسط در خصوص یتیمان به صورت جمع است نشان می دهد که خطابش فقط پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و اطلاق داشته و غیر پیامبر را نیز شامل می شود.

در گفتار ابن تیمیه که گفت در مدینه اسیری نبود! دروغ و تعارضی آشکار وجود دارد و بدون مدرک است. زیرا نخست می گوید در مدینه هرگز اسیری نبوده، و سپس اعتراف می کند که بعد از جنگ بدر اسیرانی بوده اند و این تعارض در کلام او است. به علاوه برای صحت این ماجرا وجود حتی یک اسیر کفایت می کند و این را که در مدینه اسیر یا اسیرانی بوده اند، خود ابن تیمیه در همین قول قبول کرده است، آنجا که می گوید بعد از جنگ بدر اسیران خیلی کم بوده اند.^۳

خود طبری در تفسیرش به وجود اسیر اعتراف دارد.^۴ همچنین، خود قرآن در سوره هل اتی، بر بودن اسیر در مدینه تصریح می کند و روایاتی از فریقین، که قبلاً ذکرش گذشت، بر وجود اسیر در مدینه تأکید دارند.

ممکن است گفته شود در مدینه اسیری که درخواست کند نبوده است. در جواب باید گفت سیاق آیات نشان می دهد مسکین و یتیم و اسیر درخواست کمک داشتند که به آنها اطعام شد؛ و اگر درخواستی هم نداشتند، به هر حال به آنها اطعام شد.

۱. نظام الدین قمی نیشابوری، تفسیر نیشابوری، ج ۶، ص ۴۱۲؛ این تفسیر، در حاشیه تفسیر جامع البیان طبری است که با عنوان غرائب القرآن و رغائب الفرقان به چاپ رسیده است.

۲. محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۶۳.

۳. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۶.

۴. محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۹، ص ۱۲۹.

۷. شمولیت نداشتن سوره

وی در اشکال دوازدهم و سیزدهم می‌گوید اگر چنین داستانی صحیح هم باشد، صاحب قصه (علی علیه السلام) افضل نیست؛ و این به منزله آن نیست که صاحب آن برترین مردم است، یا فقط او امام باشد نه غیر او. جعفر بن ابی طالب بیش از همه به فقرا غذا می‌داد... با وجود این، از علی و دیگران برتر نبود، چه رسد به اینکه مستحق امامت شود؛^۱ و انفاق ابوبکر محبوب‌تر است!^۲

بررسی و نقد اشکال ابن تیمیه

این سوره دلالت روشنی بر فضیلت بسیار فوق‌العاده علی علیه السلام دارد که آیه درباره او نازل شده است. همچنین، اگرچه مؤید افضلیت صاحب این ماجرا است، اما برای افضلیت و امامت او دلایل فراوان دیگری در منابع فریقین داریم.^۳ علاء‌الدین علی بن محمد خازن بغدادی (متوفای ۷۴۱ ه.ق.) در تفسیرش، ابتدا به نزول آیات درباره علی علیه السلام اشاره کرده، آنگاه حدیث را نقل می‌کند و می‌گوید شمول آیه از نظر مفهوم منافاتی با انحصار مصداقش در علی علیه السلام ندارد.^۴

کسی که خداوند در شأنش یک سوره کامل را فرستاد، قطعاً از تأیید خداوند برخوردار بوده است. کسانی که خداوند قول و فعلشان را در آیات سوره هل اتی آورده، در فضیلت از دیگران برتر بودند و سبب نزول این سوره به قرینه عمل به نذر، عمل اهل بیت علیهم السلام بوده است. ابن تیمیه اعتراف دارد که جعفر از علی علیه السلام برتر نبوده است.

آیات سوره هل اتی، که در وصف «ابرار» نازل شده^۵ و به پاداش‌های «نیکان» در جهان آخرت اشاره دارد، اختصاص به حضرت علی و همسر و فرزندانش علیهم السلام دارد. زیرا

۱. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۸۶.

۲. همان (به اختصار).

۳. سید علی حسینی میلانی، دراسات فی منهاج السنة لمعرفة ابن تیمیه، ص ۵۴.

۴. علی بن محمد علاء‌الدین خازن بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل = تفسیر الخازن، ج ۴، ص ۳۵۸.

۵. حبیب‌الله شریف کاشانی، بوارق القهر فی تفسیر سورة الدهر، ص ۱۰۲.

اولاً، نشانه‌ها و قرائنی در این آیات شریفه دیده می‌شود که با وجود آن نمی‌توان این آیات را به همه ابرار تطبیق داد، بلکه طبق این نشانه‌ها باید آیات مذکور را به ابرار خاصی تطبیق دهیم. مثلاً از این آیات استفاده می‌شود که ابراری که در این آیات به آنها اشاره شده، نذری کرده بودند و در هنگام عمل به نذر، دست به ایثار بزرگی زدند و به نیازمند و یتیم و اسیر کمک کردند. بنابراین، آیات فوق شامل آن دسته از ابرار نمی‌شود که نذری نکرده بودند و نشانه‌های فوق در آنها نیست.

ثانیاً، بر فرض که آیات مذکور عام باشد و شامل تمام ابرار شود، همان‌گونه که فخرالدین رازی در تفسیرش این نظریه را انتخاب کرده است،^۱ بدون شک به طریق اولی شامل شأن نزول آن هم می‌شود! علی و فاطمه و فرزندان^{علیهم‌السلام} شاخص‌ترین و برترین مصادیق ابرار و نیکان هستند؛^۲ و هیچ یک از مفسران ابوبکر را جزء ابرار نیاورده‌اند! ابن تیمیه دلیلی ندارد بر اینکه انفاق ابوبکر نزد خدا و رسولش از این ایثار بزرگ‌تر و محبوب‌تر باشد و روایتی از رسول خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بر افضل بودن انفاق ابوبکر وجود ندارد!^۳

نتیجه

اشکالاتی که ابن تیمیه درباره شأن نزول هل اتی ذکر کرد بی‌اساس و بی‌مدرک بود، یا از اقوال شاذ بوده است. ثابت شد که سوره هل اتی در شأن اهل بیت^{علیهم‌السلام} نازل شده و دلیل بر فضیلت علی^{علیه‌السلام} است و کسی دیگر در این فضیلت داخل نیست. سوره هل اتی، طبق نقل بسیاری از مفسران، محدثان و دانشمندان اهل سنت، همچنین اجماع شیعه مدنی است و روایات صحیح و معتبر فریقین سبب نزول سوره را همان ایثار و عمل خالصانه علی و فاطمه و حسنین^{علیهم‌السلام} می‌دانند. حدیث ثعلبی از جمهور اهل سنت وارد شده است و

۱. فخرالدین رازی، تفسیر الکبیر = مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۲۳۴.

۳. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۸، ص ۵۵۳؛ در این کتاب دلایلی از قرآن و مفسران برای اثبات افضلیت ابوبکر می‌آورد و می‌گوید هر آیه‌ای که درباره انفاق است اول آنها درباره ابوبکر است.

ایرادات جزئی، اشکالی در اصل مطلب وارد نمی‌کند. اثبات شد که اشکالات سندی و دلالی ابن تیمیه درباره شأن نزول سوره هل اتی جایگاهی ندارد.

منابع

١. قرآن الكريم.
٢. ابن اثير جزرى شيبانى، على بن ابى الكرم محمد، **اسد الغابة فى معرفة الصحابة**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥.
٣. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **الفتاوى الكبرى**، تحقيق: محمد و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٨.
٤. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **جامع الرسائل**، تحقيق: محمد رشاد رفيق سالم، رياض: دار العطاء، چاپ اول، ١٤٢٢.
٥. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **دقائق التفسير**، تحقيق: محمد سيد جليند، دمشق: مؤسسه علوم قرآن، چاپ دوم، ١٤٠٤.
٦. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **فضل ابى بكر**، تحقيق: عبدالعزيز بن محمد فريح، مجله جامعة ام القرى لعلوم الشرعية، ج ١٣، ش ٢٢، ربيع الاول ١٤٢٢.
٧. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **مجموع الفتاوى**، مدينه منوره: مجمع ملك فهد، چاپ دوم، ١٤١٦.
٨. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **مقدمة فى اصول التفسير**، بيروت: دار مكتبة الحياة، ١٤٩٠.
٩. ابن تيميه حرانى، احمد بن عبدالحليم دمشقى، **منهاج السنة النبويه فى نقض كلام الشيعة القدرية**، تحقيق: محمد رشاد سالم، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ١٤٠٦.
١٠. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، **الإصابة فى تمييز الصحابة**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥.
١١. ابن ضريس رازى، محمد بن ايوب بن يحيى بن ضريس بن يسار جبلى، **فضائل القرآن**، تحقيق: غزوة بدير، دمشق: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٨.
١٢. ابن عادل دمشقى حنبلى، عمر بن على، **اللباب فى علوم الكتاب**، تحقيق: عادل احمد عبدال موجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩.
١٣. ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحرير والتنوير**، بيروت: مؤسسة التاريخ، چاپ اول، [بى تا].
١٤. ابن عبد ربّه قرطبى مالكى، ابو عمر احمد، **العقد الفريد**، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٣.
١٥. ابن عربى، محمد بن عبدالله بن ابوبكر، **احكام القرآن**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ سوم، ١٤٢٤.
١٦. ابن عطية اندلسى محاربى، عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام، **المحرر الوجيز (تفسير ابن عطية)**، تحقيق: محمد عبدالسلام عبدالشافى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٢.

۱۷. ابن قدامة مقدسی دمشقی حنبلی، موفق الدین عبدالله احمد بن محمد، **المغنی**، قاهره: مكتبة قاهره، ۱۳۸۸.
۱۸. ابن مطهر حلی، حسن بن یوسف، **منهاج الكرامة فی معرفة الامامة**، تحقیق: عبدالرحیم مبارک، قم: مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۹. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، **سنن ابی داود**، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
۲۰. ابوبکر بیهقی، احمد بن حسین بن علی بن موسی، **دلائل النبوة**، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸.
۲۱. ابوبکر بیهقی، احمد بن حسین بن علی بن موسی، **سنن بیهقی**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مکه مکرمه: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴.
۲۲. ازى بلخى، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: [بی تا]، [بی تا].
۲۳. امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۷.
۲۴. امینی، عبدالحسین، **نظرة فی کتاب منهاج السنة النبویة**، تحقیق: احمد کنانی، تهران: مرکز الابحاث العقائدية، مشعر، [بی تا].
۲۵. آلوسی، شهاب الدین سید محمود، **تفسیر روح المعانی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵.
۲۶. آلوسی، شهاب الدین سید محمود، **تفسیر روح المعانی**، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۲۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، قم و تهران: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۶.
۲۸. بروسوی، اسماعیل بن حقی بن مصطفی استانبولی حنفی، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۹. بغوی، ابومحمد حسین بن مسعود فراء، **تفسیر بغوی (معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل)**، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی و دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰.
۳۰. بهارزاده، پروین، «مقاله کاوشی در مکی یا مدنی بودن سوره دهر»، در: **مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء**، ش ۴۱، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۶۰.
۳۱. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، **سنن ترمذی**، تحقیق: احمد شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۲. ثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهیم، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، با نظارت نصیر ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲.

٣٣. جزائري ابوبكر، جابر بن موسى، **ايسر التفاسير لكلام العلي الكبير**، مدينه: مكتبة العلوم والحكم، چاپ اول، ١٤١٦.
٣٤. جزيري، عبدالرحمن، **الفقه على المذاهب الأربعة**، بيروت: دار الثقلين، چاپ اول، ١٤١٩.
٣٥. حاكم حسكاني، عبيدالله بن احمد، **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل**، تهران: مجمع احياء الثقافة الاسلامية، چاپ اول، ١٤١١.
٣٦. خطيب، عبدالكريم، **التفسير القرآني للقرآن**، قاهره: دارالفكر العربي، چاپ اول.
٣٧. ذهبی، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: جمعی از محققين زیر نظر شيخ شعيب الارناؤوط (الارنؤوط)، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٠٥.
٣٨. راتب نابلسی، محمد، **الفقه الإسلامي**، موضوعات متفرقة، درس ٣٨: النذر، تاريخ: ١٩٩٢/٦/٢١، در: www.nabulsi.com.
٣٩. زحيلي، وهبة بن مصطفى، **التفسير الوسيط**، دمشق: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٢٢.
٤٠. زمخشری، محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٤٢٩.
٤١. سبحانی تبریزی، جعفر، **ابن تیمیه فکراً ومنهجاً**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ١٤٣٢.
٤٢. سبط ابن جوزی حنفی بغدادی، ابوالمظفر بن فُرغلی بن عبدالله، **تذكرة الخواص**، معروف به تذكرة خواص الامة في خصائص الائمة، بيروت: دار العلوم، چاپ اول، ١٤٢٥.
٤٣. سندی، عبدالقادر بن حبيب الله، **حجبة السنة النبوية و مكانتها في التشريع الإسلامي**، مدينه منوره: الجامعة الإسلامية المدينة المنورة، س٨، ش٢، رمضان ١٣٩٥.
٤٤. سيوطی، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بكر، **الاتقان في علوم القرآن**، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٣٩٤.
٤٥. سيوطی، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بكر، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٢١.
٤٦. شريف كاشاني، حبيب الله، **بوارق القهر في تفسير سورة الدهر**، تهران: انتشارات شمس الضحی، ١٣٨٣.
٤٧. شوکانی، محمد بن علی، **فتح القدير**، دمشق و بيروت: دار ابن كثير و دار الكلم الطيب، چاپ اول، ١٤١٤.
٤٨. طباطبایي، سيد محمد حسين، **الميزان في تفسير القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ١٣٧٤.
٤٩. طباطبایي، سيد محمد حسين، **ترجمه تفسير الميزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ١٤١٧.

۵۰. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، تحقیق: سید محمدباقر خراسان، نجف اشرف: دار النعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶.
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه مجمع البیان**، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۵۳. طبری، محمد بن جریر بن یزید، **تفسیر الطبری**، ضبط و تعلیق: محمود شاکر حرستانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: احمد حبیب قیصر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، [بی تا].
۵۵. عاصمی، احمد بن محمد، **العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی**، تحقیق: محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۸.
۵۶. علاء الدین خازن بغدادی، علی بن محمد، **لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازن)**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۵۷. علی زاده موسوی، مهدی، **تبارشناسی سلفی گری و وهابیت**، قم: آوای منجی، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۵۸. غریانی (فقیه لیبی)، صادق عبدالرحمن، **مدونة الفقه المالکی وأدلته**، بیروت: مؤسسة الریان، [بی تا].
۵۹. فخرالدین رازی، محمد بن عمر بن حسن بن حسین تیمی، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰.
۶۰. فرمانیان، مهدی، **مبانی فکری سلفیه**، پایان نامه دکتری مرکز تربیت مدرس، ۱۳۸۸.
۶۱. قرشی گنجی شافعی، محمد بن یوسف بن محمد، **کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب**، تهران: دار احیاء التراث اهل البيت علیه السلام، چاپ سوم، ۱۴۰۴.
۶۲. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، **الجامع لأحكام القرآن** (معروف به تفسیر القرطبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، [بی تا].
۶۳. قمی نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، **تفسیر نیشابوری = غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۶.
۶۴. کلبی غرناطی، محمد بن احمد بن جزی، **التسهیل لعلوم التنزیل**، تحقیق: عبدالله خالدی، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم، چاپ اول، ۱۴۱۶.
۶۵. مال الله، محمد، **الامامة فی ضوء الكتاب والسنة لابن تیمیة**، سایت کتابخانه عقیده، به آدرس www.aqeedeh.com.
۶۶. مراغی، احمد بن مصطفی، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، [بی تا].

۶۷. مرعشی شوشتری، نورالله، **احقاق الحق و ازهاق الباطل**، تهران: کتابفروشی اسلامیة، [بی تا].
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، **آیات ولایت در قرآن**، قم: نسل جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، **شأن نزول آیات قرآن**، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵.
۷۱. میلانی، سید علی حسینی، **دراسات فی منهج السنة لمعرفة ابن تیمیة**، قم: ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۹.
۷۲. میلانی، سید علی حسینی، **نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت مصطفی ﷺ**، ترجمه: هیئت تحریریه انتشارات الحقایق، قم: الحقایق، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۷۳. نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد، **الناسخ والمنسوخ**، تحقیق: محمد عبدالسلام محمد، کویت: مکتبة الفلاح، چاپ اول، ۱۴۰۸.
۷۴. **الهيئة العامة، التفسیر الوسیط لقرآن الکریم**، [بی جا]: شئون المطابع الامیریة، چاپ اول، ۱۳۹۳-۱۴۱۴.
۷۵. یکی از علمای قرن هشتم، **الانصاف فی الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف**، تحقیق: طاهر عبدالامیر سلامی، قم: دار النشر امام علی بن ابی طالب، چاپ اول، ۱۳۹۲.

